



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَائِسُ»

الكافي، جلد ۱، صفحه ۲۶

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

آمریکایی‌ها دیگر در امان نخواهند بود

شناسنامه مطلب	
b-۱۹۷	کد مطلب
بصیرتی / تحلیل / تحلیل‌ها / حوادث و وقایع	رده
ایران، عراق، رهبر انقلاب، امام خامنه‌ای، مصطفی‌الکاظمی	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

دیدار راهبردی

سفر هیئت بلندپایه‌ی سیاسی، اقتصادی و نظامی عراق با محوریت نخست‌وزیری آقای الکاظمی به جمهوری اسلامی ایران که در شرایط خاصی صورت گرفت و از لحاظ زمانی کوتاه بود، خیلی عمیق و پرمعنا بود. این دیدار در بین دیدارهای یک نخست‌وزیر با رهبر معظم انقلاب از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود. درواقع این دیدار فوق‌العاده مهم و راهبردی بود و درحقیقت تبیین مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق، دولت عراق و جبهه‌ی مقاومت بود. این دیدار همچنین پر از پیام هم برای آمریکا و هم برای تعاملات بین دو کشور بود. درحقیقت منشور سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال مؤلفه‌هایی که ذکر شد در بیانات رهبر معظم انقلاب خیلی شفاف بود. از این جهت هیچ نقطه‌ی ابهامی در مواضع جمهوری اسلامی در قبال عراق وجود ندارد و شاید جزو دیدارهای تاریخی نخست‌وزیر عراق به حساب بیاید. این دیدار در مقایسه‌ی با نخست‌وزیران دیگر عراق که خدمت رهبر معظم انقلاب رسیدند، از شاخص‌ها و ویژگی‌های ممتازتری برخوردار بود. همه‌ی آن دیدارها، دیدارهای خوبی بودند، اما این دیدار با توجه به شرایط این سفر و سخنان رهبر انقلاب، فوق‌العاده مهم بود. از چند منظر می‌توان این دیدار را تحلیل کرد:

۱. حمایت ایران از عراق امن و مستقل با حاکمیت ملی

در این دیدار رهبر معظم انقلاب بر سیاست اصولی جمهوری اسلامی نسبت به عراق تأکید کردند. سیاستی که جمهوری اسلامی ایران خواهان یک عراق باثبات، امن، شکوفا، مستقل، برخوردار از یک حاکمیت ملی مستقل و عزتمند است و جمهوری اسلامی از چنین عراقی با این ویژگی‌ها سود خواهد برد. مردم عراق هم سود می‌برند و ثبات و امنیت منطقه در گرو وجود چنین عراقی است. کماینکه جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد چنین عراقی در کنار مردم عراق و همسو با دولت برخواسته‌ی از اراده‌ی مردم ایستاد. کارنامه‌ی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری عراق تا به امروز همین را نشان می‌دهد. در تمامی شرایط به‌ویژه شرایط سخت و بحرانی، چه در موضوع اشغالگری و چه در موضوع تروریزم و گروه‌های تکفیری که مرزهای بغداد را در محاصره قرار دادند، تنها کشوری که جانانه، متواضعانه و مقتدرانه در کنار مردم و دولت عراق ایستاد، جمهوری اسلامی ایران بود.

نه‌تنها آمریکایی‌ها، بلوک شرق و دولت‌های عربی که مدعی هستند عراق جزئی از جامعه‌ی عربی است و باید به آن کمک کرد، کمک نکردند، بلکه درست در نقطه‌ی مقابلِ خواسته‌ی مردم حرکت کردند. سردمدار این جریان‌ها هم عربستان سعودی است که اساساً با عراقی با این ویژگی‌ها مخالف است. اساساً حکام عربستان سعودی با عراق باثبات، امن، شکوفا و دارای حاکمیتی برآمده از اراده‌ی مردم یعنی نظام مردم‌سالاری مخالف‌اند. چون در عربستان گردش قدرت و دموکراسی وجود ندارد و اصلاً اجازه‌ی برگزاری انتخابات نمی‌دهند و اگر در عراق انتخابات برگزار شود و حاکمیت و به‌دنبالش امنیت، شکوفایی، ثبات و استقلال به‌وجود بیاید، فی‌النفسه پیامی برای مردم عربستان دارد که باید از یک

نظام موروثی - سلطنتی اعلام برائت کنند. نظامی که امروزه متأسفانه از پشت به جهان اسلام خنجر می‌زند و با دشمنان جهان اسلام یعنی رژیم اشغالگر قدس هم‌پیوند شده است. به همین دلیل است که عربستان سعودی در نقطه‌ی مقابل مردم ایستاده است.

۲. همکاری بدون مداخله

نکته‌ی دیگری که رهبر انقلاب در این دیدار بر آن تأکید کردند این بود که ما در امور داخلی عراق دخالت نمی‌کنیم. وقتی جمهوری اسلامی اجازه نمی‌دهد که دیگران در امور داخلی‌اش دخالت کنند، همین‌گونه به خودش هم اجازه نمی‌دهد که در امور داخلی دیگران دخالت کند. اما آیا مشورت دادن، نظر دادن و همکاری کردن مداخله است؟ ابداً مداخله نیست. جمهوری اسلامی ایران از تجربه‌ی گران‌سنگی در ایجاد یک نظام سیاسی مستقل، در برقراری امنیت، شکوفا کردن اقتصاد، امنیت مرزها و هر اقدام دیگری برخوردار است.

گوشزد کردن خطر تروریزم و اشغالگری و مشورت دادن به مفهوم مداخله‌گری نیست. جمهوری اسلامی در نقش یک ناظر بی‌طرف در عراق عمل نخواهد کرد. ما به‌عنوان یک کشور و همسایه‌ی قدرتمند در کنار مردم عراق هستیم و همکاری، تعامل و کمک می‌کنیم، اما مداخله نمی‌کنیم. به همین دلیل برخلاف هر نوع گمانه‌زنی و تحلیلی که نسبت به نخست‌وزیر جدید عراق مطرح شد، جمهوری اسلامی رأی مردم و پارلمان را در انتخاب این نخست‌وزیر تأیید و حمایت کرد.

پذیرش آقای الکاظمی در جمهوری اسلامی و دیدار با بالاترین مقام کشور حاکی از این است که جمهوری اسلامی به رأی مردم عراق و رأی هر ملت دیگری احترام می‌گذارد. اما ما ناظر بی‌طرف نیستیم. کشوری که اگر یک رژیم دیکتاتوری برای آن حاکم شد، هم برای جمهوری اسلامی و هم برای کشورهای منطقه تهدید است. اگر این کشور اشغال شود، برای ما تهدید است. اگر این کشور مورد تهاجم گروه‌های تروریستی و تکفیری قرار بگیرد و گروهک شرور و مزدور منافقین که علیه ملت ایران دست به هر نوع جنایتی زدند، آنجا مستقر شود برای ما تهدید است. بر این اساس طبیعی است که جمهوری اسلامی نگذارد اشغالگری در آن سرزمین تهدیدی برای ما ایجاد کند. اما آنچه که خیلی مهم است، منافع مردم عراق و منافع جمهوری اسلامی و تهدیدات مشترک‌اند. آنچه که منافع مردم عراق است، منافع ما هم هست. آن تهدیدی که علیه مردم عراق است، تهدیدی برای ما هم هست. استقلال این کشور به نفع ما خواهد بود و بالعکس. اگر آن کشور ناامن شد، ایران و منطقه هم ناامن خواهند شد. پس ما منافع و تهدیدات مشترکی داریم. همان‌طور که ما در امور داخلی کشورها دخالت نمی‌کنیم، به دیگران هم اجازه نمی‌دهیم در امور ما دخالت کنند.

۳. تأکید بر حشد الشعبی یعنی عدم نیاز به نیروی خارجی

نکته‌ی دیگر در فرمایش‌های رهبر معظم انقلاب تکیه بر «حشدالشعبی» است. پیام ایشان در مورد حشدالشعبی، صرفاً یک پیام برای یک گروه نیست، بلکه مخاطب این پیام هم آمریکایی‌ها و هم دولت عراق است. درواقع اگر در عراق ثبات و امنیتی در مبارزه‌ی با تروریسم ایجاد و برقرار شد، به دلیل این بود که عراقی‌ها توانستند در برابر اراده و خواسته‌ی نامشروع اشغالگر بایستند. اگر عراق عزتمند شد، به دلیل حضور مردم در صحنه‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی بود. مرجعیت یک فتوا و حکم در برابر داعش داد و گفت هرکسی که کشته شود، شهید فی سبیل الله است. اساساً امروز در استراتژی دفاعی عراق، حشدالشعبی و گروه‌های مقاومت بخش لاینفک این استراتژی هستند. دلیل تأکید حضرت آقا بر حشدالشعبی هم این است که اگر یک عراق مستقل، امن و دارای حاکمیت ملی می‌خواهید، باید حشدالشعبی حضور قدرتمندی داشته باشد. اساس، امنیت و دفاع عراق از مردم است. ارتش و نیروهای مسلح بدون پشتیبانی مردم نمی‌توانند مأموریت خودشان را انجام دهند. تداوم اشغالگری و مداخله‌گری در عراق و افغانستان بدون وابستگی ساختارهای دفاعی و امنیتی این کشورها به نیروی اجنبی و بیگانه امکان‌پذیر نیست. به همین خاطر است که آمریکایی‌ها نسبت به بسیج و حشدالشعبی حساس‌اند. اگر حشدالشعبی حضور داشته باشد، دیگر بهانه‌ای برای حضور اشغالگر و آمریکایی‌ها وجود نخواهد داشت. تأکید رهبر معظم انقلاب بر حشدالشعبی، به معنای تأکید بر استقلال این کشور و عدم نیاز و وابستگی به یک نیروی خارجی است. بر همین اساس این پیام مستقیماً به نخست‌وزیر عراق گوشزد می‌کند که هر اقدامی که باعث تضعیف حشدالشعبی شود، برای امنیت ملی و منافع ملی عراق خطرناک است.

۴. مرجعیت پشوانه استقلال و تمامیت ارضی عراق

پیام دیگر رهبر انقلاب درباره‌ی موضوع مرجعیت به‌ویژه مرجعیت حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی سیستانی بود. سکان‌دار هدایت سیاسی مردم عراق از ابتدای اشغالگری تا عراق امروز، مرجعیت دینی بود. در سخت‌ترین و حساس‌ترین شرایط مرجعیت تلاش کرد تا اشغالگر سوءاستفاده نکند. مرجعیت جامعه را هدایت کرد تا به اشغالگر لبیک گفته نشود و در برابر جریان خطرناکی مثل گروه‌های تکفیری و داعش ایستادگی کنند و از حاکمیت ملی، از استقلال و از تمامیت ارضی این کشور دفاع کنند. عراق هنوز یک جامعه‌ی دینی است و مرجع سیاسی مردم عراق، مراجع دینی‌اند. تلاش امروز دشمن برای تضعیف جایگاه مرجعیت به دلیل این است که چنین پشوانه‌ای را از ملت عراق بگیرد. بر همین اساس است که رهبر معظم انقلاب هم بر اهمیت جایگاه مرجعیت تأکید می‌کند.

۵. همکاری‌های ایران و عراق، ساختار فرماندهی نیاز دارد

نکته‌ی دیگر در فرمایش‌های رهبر معظم انقلاب تأکید بر همکاری‌های دو کشور به صورت دو جانبه است. در جهان امروز هیچ کشوری مانند جمهوری اسلامی نبوده است که این چنین خالصانه، مقتدرانه و بدون چشم‌داشت در کنار مردم عراق باشد و از دستاوردهای این ملت دفاع کند. البته جمهوری اسلامی در کنار این همکاری از امنیت و ثبات منطقه

نفع می‌برد. اگر به این همکاری از منظر امنیت و منافع ملی نگاه کنیم، برای جمهوری اسلامی پرمفعت است. در سیاست خارجی، عراق هم جزو امنیت ملی و منافع ملی جمهوری اسلامی است. از این جهت همکاری سودمند است و ما باید دامنه‌ی همکاری را در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، دفاعی و امنیتی توسعه دهیم و تقویت کنیم. این نباید مختص به یک تعامل بین دو حکومت و حاکمیت باشد. منافع دو ملت باید چنان با هم گره بخورد که هر تلاش و اراده‌ای که می‌خواهد انفصالی بین این‌ها ایجاد کند، امکان‌پذیر نباشد. ما باید برای کشورهای همسایه به‌ویژه عراق در حوزه‌ی همکاری‌های دو جانبه، یک ساختار فرماندهی ایجاد کنیم و تمام امکانات دولتی، بخش خصوصی و مردمی را هم‌افزا کنیم و در این مسیر حرکت کنیم.

۶. نقشه آمریکا در عراق شکست خورد

در روابط ایران و عراق ما باید خط‌شکن باشیم. ما نمی‌توانیم با یک نگاه منفعت‌طلبانه‌ی موقت بگوییم که اقدام متقابل داریم. در اقدام متقابل یکی می‌دهم و یکی می‌گیرم. این در تعامل بین کشورها عرف است. اما در مواقعی باید خط‌شکن بود، چون تعامل با یک واحد سیاسی است. آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع که دشمنان قسم خورده‌ی اسلام، جمهوری اسلامی، مقاومت اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی هستند، در کشوری مثل عراق مانع همکاری در چهارچوب منافع و بر اساس آن ظرفیت‌های همکاری می‌شوند. با آغاز اشغال عراق توسط آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۳، مأموریت آقای برمر این بود که یک نظام سیاسی کاملاً آمریکایی را با پوسته‌ی دموکراسی و انتخابات شکل دهد. البته آمریکایی‌ها بنا نداشتند تا ۲۰۰۸ انتخابات راه بیندازند. عراق، مرجعیت و جمهوری اسلامی در مقابل چنین نقشه‌ای ایستادند و اعلام کردند که باید نظام سیاسی بر پایه‌ی خواسته‌ی مردم در عراق شکل بگیرد. دلیل اشغال عراق این بود که حضور نظامی‌شان را دائمی و ساختار دفاع و امنیت عراقی‌ها را آمریکایی کنند و روابط خارجی این کشور را مدیریت کنند. آمریکایی‌ها آمدند تا یک عراقی را با این مشخصه‌ها ایجاد کنند تا این کشور گام اول شکل‌دهی خاورمیانه‌ی جدید مدنظر آمریکایی‌ها باشد. البته رهبران عراق، مراجع دینی و جمهوری اسلامی نگذاشتند که چنین اتفاقی بیفتد.

امروز امنیت، ثبات و استقلال منطقه با امنیت، ثبات و استقلال عراق مساوی است. براساس یک برآورد کارشناسی، وقتی جمهوری اسلامی می‌گوید اشغالگر نباید در منطقه باشد، یعنی خروج اشغالگران نظامی آمریکا از منطقه از عراق شروع خواهد شد. اگر آمریکا از عراق خارج شود، یعنی حضور نظامی‌اش از منطقه تمام خواهد شد. همان‌طوری که از نگاه آمریکا عراق گام اول خاورمیانه‌ی جدید بود، امروز بر اثر مقاومت جبهه‌ی مقاومت و مردم منطقه، عراق در اخراج حضور نظامی آمریکا، گام اول خواهد بود.

۷. آمریکا به دنبال فشار بر دولت عراق است

آمریکایی‌ها دروغ می‌گویند که برای امنیت عراق به این کشور آمدند. هفده سال از اشغال عراق و نوزده سال از اشغال افغانستان می‌گذرد. آنچه که آمریکایی‌ها انجام دادند ایجاد بی‌ثباتی، درگیری و نفاق داخلی بود. همه‌ی تلاش آمریکا در افغانستان تا سوریه به انحراف کشاندن پتانسیل مقاومتی است که می‌تواند در برابر رژیم اشغالگر قدس و صهیونیسم بایستد. سوریه چندسال درگیر این مسائل شد. در سوریه بیداری اسلامی رخ نداد که بگوییم آن بیداری اسلامی بود. آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدین آمریکایی نزدیک به ۱۸۰۰ گروه تروریستی را به جان مردم سوریه و نظام سیاسی سوریه انداختند و این کشور را ویران کردند. این خواسته‌ی مردم سوریه نبود که کشورشان نابود شود.

امروز عراق دچار مشکلات اقتصادی ناشی از کاهش صادرات نفت به دلیل افت قیمت است. عراق در ماه نزدیک به نه‌ونیم میلیارد دلار هزینه‌ی جاری دارد که الان درآمدش به یک سوم رسیده است و به دنبال استقراض از جامعه‌ی جهانی است که البته به آن وامی نخواهند داد. عراق کشور پرهزینه‌ای است. اما نقش آمریکایی‌ها در کمک به عراق چیست؟ آمریکا برای کمک، دولت عراق را تهدید می‌کند که اگر بر خروج نظامی فشار بیاورند، پولشان را در صندوق نفت بلوکه می‌کند. آمریکایی‌ها برخلاف شعاری که می‌دهند، هر دولتی که در عراق روی کار بیاید، بنای همکاری ندارند و با فشار به دولت به دنبال تحمیل اراده و خواسته‌هایشان هستند. الان آمریکایی‌ها مانع از همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌شوند.

وقتی رهبر معظم انقلاب درباره‌ی به شهادت رساندن شهید سلیمانی می‌فرمایند مهمان شما را کشتند، یعنی حاکمیت ملی را نقض کردند. اصلاً آمریکای متکبر، احترام و ارزشی برای حاکمیت‌ها قائل نیست. خوی استکباری که آمریکا دارد اصلاً متوجه منافع دیگران نمی‌شود. به همین خاطر هم آمریکایی‌ها مداخله‌گری می‌کنند. الان در بانک مرکزی عراق یک تیم آمریکایی مستقر هست که روابط و فعالیت‌های بانک‌های عراق را زیر نظر دارد و به بهانه‌های مختلف سعی در کارشکنی و مداخله‌گری دارد. یکی از برنامه‌های آمریکا این است که مانع تعاملات رو به گسترش بین ایران و عراق شود. البته مزاحمت ایجاد می‌کند، اما نمی‌تواند موفق شود.

۸. طراحی آمریکایی برای ضربه زدن به رابطه ایران و عراق

رهبر معظم انقلاب در مسئله‌ی همکاری با ایران به نوعی اشاره می‌کنند که این رابطه یک مدالیت‌ای برای همکاری دیگران با عراق است و ما مشوّق آن هستیم که دیگران هم با عراق همکاری کنند. جمهوری اسلامی هیچ نگرانی در این باره ندارد، چون سیاست ما خیلی روشن است. یک عراق ساخته شده به نفع همه است. قبل از سفر آقای الکاظمی به ایران این چنین مطرح کردند که اول به عربستان سعودی می‌رود و قراردادهای سنگین اقتصادی مثلاً در تأمین انرژی امضا می‌کند. اصلاً یک چنین اتفاقی نمی‌افتد، چون سیاست‌های کشورهای مثل آمریکا و عربستان این نیست که کاری کنند که عراق ساخته شود. اصلاً آن‌ها نمی‌خواهند که عراق ساخته شود. همین حرکات‌های خیابانی که در عراق به راه

افتاد، پشت مطالبات مردمی به حق عراق، آمریکایی‌ها جریانی مثل جوکرها درست کردند و مطالبات دیگری را به جامعه تلقین کردند که این مطالبات هیچ‌کدام اولویت منافع مردم نیست. در عراق نزدیک به ۱۲۰۰ سازمان غیر حکومتی NGO راه‌انداختند که عمده‌ی این‌ها تحت حمایت‌های آمریکا هستند. آمریکایی‌ها برای هر مأموریت و مسئولیت بودجه دارند. مأموریت‌هایشان به‌ظاهر خدمات به مردم عراق است، اما در نقطه‌ی مقابل منافع مردم عراق و حاکمیت ملی عراق است.

در چنین فضایی، این جمهوری اسلامی است که همکاری می‌کند تا یک مدالیته شود. البته ما برخلاف این شعاری که آمریکایی‌ها می‌دهند، استقبال می‌کنیم که دیگران بیایند. اخیراً هم آمریکایی‌ها نسخه‌ی جدید ارائه کردند و می‌گویند ما می‌خواهیم همکاری‌های اقتصادی قوی داشته باشیم. عرب‌ها هم این را می‌گویند، اما لازمه‌اش این است که ایران نباشد. بعد آمریکایی‌ها به کشورهای عربی می‌گویند که اگر بخواهیم ایران نباشد، لازمه‌اش این است که ما رابطه‌ی عراقی- ایرانی را تبدیل به رابطه‌ی عراقی- عربی کنیم و سرمایه‌گذارهای بزرگ آمریکا باید در این کشور سرمایه‌گذاری کنند تا سرمایه‌ی ایرانی به این کشور نیاید. اما این نسخه همه‌اش بهانه است تا مانع رابطه‌ی عراق با ایران شوند. و این پشتوانه‌ی بزرگی که امروز در خدمت به عراق هست را از آن‌ها بگیرند. هدف این نیست که این رابطه را قطع کنند، بلکه می‌خواهند این پشتوانه‌ی بزرگ را که جمهوری اسلامی است، از عراق بگیرند. اگر این اتفاق بیفتد آن‌وقت آن‌ها می‌توانند هر مسئله‌ای را به عراق تحمیل کنند. داعش را آمریکا به عراق آورد. آمریکایی‌ها مانع شکل‌گیری یک ارتش حرفه‌ای و ملی در عراق شدند. چون اگر این ارتش شکل بگیرد دیگر بهانه‌ای برای اشغالگری نیست. تلاش آمریکا برای این است که یک دولت قوی و یک قدرت دفاعی بازدارنده‌ی مردم پایه نباشد. برخلاف اینکه جمهوری اسلامی همواره دنبال چنین ستون‌هایی است که عراق بتواند به آن تکیه کند.

۹. پیامدهای ترور شهید سلیمانی برای آمریکا

در مسئله‌ی مهمان‌کُشی که شهید سلیمانی با دعوت رسمی به عراق رفته بود و آمریکایی‌ها ایشان را کشتند و به آن اعتراف کردند، رهبر معظم انقلاب هم از واژه‌ی کشتن مهمان استفاده کردند که بار معنای چند وجهی دارد. اولاً پیام خون این بزرگوار آن قدر سنگین و باارزش بود که فردای آن روز، پارلمان عراق اخراج نظامیان اشغالگر آمریکا را تصویب کرد. جوشش خون شهید از وجود جسمی شهید در این مسئله مؤثرتر بود. ثانیاً چه دولت آقای الکاظمی و یا هر دولت دیگری که مستقر باشد، به آمریکا نمی‌شود اعتماد و تکیه کرد. آمریکایی‌ها در همه‌ی صحنه‌ها نشان دادند که در آنچه که تعهد می‌کنند وفادار نیستند. از سال ۲۰۰۳ تا به امروز، در حساس‌ترین مقاطع آمریکایی‌ها تعهد دادند، ولی خلافش عمل کردند. رهبر انقلاب تکیه‌ی به آمریکا را نقطه‌ی مقابل مصالح ملی عراق می‌دانند.

این فرمایش رهبر انقلاب ناظر بر این است که آمریکایی‌ها منافق‌اند. آمریکایی که مدعی مقابله با تروریسم است بالاترین فرماندهی منطقه‌ای ضدتروریسم را شهید کرد. بالاتر از شهید سلیمانی برای مقابله با جریانات تکفیری- تروریستی مثل داعش و تروریسم دولت جعلی نامشروع آپارتاید استعماری رژیم اشغالگر قدس نداشتیم. آمریکا چنین شخصیت و چنین رهبری را ترور کرد. این نشان می‌دهد که آمریکا رفتار منافقانه دارد. در عین اینکه جنایت می‌کند، رنگ اخلاقی هم به آن می‌دهد. در هر جنایاتی آمریکا این چنین کرده است.

۱۰. آمریکا از عراق خارج نشود با انتقام سخت مواجه خواهد شد

پیام دیگر رهبر معظم انقلاب این است که آمریکا دیگر در امان نخواهد بود. انتقام سخت تمام نشده است و این خون از آن خون‌هایی نیست که به فراموشی سپرده شود. مخاطب سخن هم دولت عراق و هم آمریکا و هم جبهه‌ی مقاومت در این موضوع است. اگر آمریکایی‌ها بخواهند سرکشی کنند و به مصوبه‌ی پارلمان عراق توجه نکنند، وظیفه‌ی مقاومت است که این‌ها را بیرون بیندازد. در نتیجه این پیام خیلی قوی است. هم به دولت و هم به مردم عراق و هم به مقاومت این پیام را می‌دهد که رمز بقاء، مقاومت و ایستادگی و نبود اشغالگر است.

آن راهبردی که در داخل کشور و چه در منطقه می‌تواند ثبات، پیشرفت و عزت را تضمین کند، مقاومت است. به همین خاطر هم تکیه‌ی رهبر معظم انقلاب بر مقاومت است که در این دیدار خیلی پرمعنا بود. این پیام برای جبهه‌ی مقاومت و گروه‌های مقاومت در داخل عراق خیلی پیام مهمی بود. مردم عراق این پیام را پشتوانه‌ی خودشان دیدند. بازتاب این دیدار هم در عراق و هم در منطقه و هم در سطح رسانه‌های بین‌المللی پرمخاطب، فوق‌العاده بود. از این جهت می‌شود گفت این دیدار هم در تقویت روابط دو کشور، هم در موضوع آمریکا، هم در موضوع مقاومت و هم بر جایگاه مرجعیت در تداوم این راه طولانی که ملت عراق دارند، در حقیقت بیان راهبردهای جمهوری اسلامی بود که از زبان رهبر معظم انقلاب شنیده شد.

۱۱. روابط اقتصادی با عراق باید بر مبنای دینار و ریال باشد

قضاوت مردم عراق برخلاف شانتاژبازی‌ها این است که مردم ایران و جمهوری اسلامی در هر شرایط سختی در کنار ملت عراق بوده است. اما ما باید خط‌شکن باشیم و شرایطی را ایجاد کنیم تا زیرساخت‌های اقتصادی دو کشور به همدیگر وصل شود. خداوند ظرفیت‌های بی‌مانندی به این دو کشور داده است. تلاش می‌کنند افکار عمومی را هدایت کنند و یک ذهنیت منفی نسبت به مردم عراق در ذائقه‌ی ایرانی و بالعکس ایجاد کنند. چون هرچه تعاملات قوی می‌شود، دشمن ناامیدتر می‌شود. اگر ما منافع مردمی را گره بزنیم، همین منافع مردمی مانع تهدید دولت‌ها و اشغالگران برای ما می‌شود. به عنوان مثال امروز در حوزه‌ی اقتصاد آن گلوگاهی که در تجارت خارجی به ما فشار وارد می‌کند، وجود

ارزهای واسط یعنی یورو و دلار است. ما باید یورو و دلار را از تعاملاتمان خارج کنیم. ما باید با عراق بر مبنای دینار و ریال عمل کنیم. البته شاید اولین سؤالی که در این باره مطرح می‌شود این است که حجم تعاملات مثلاً در حوزه انرژی دو میلیارد دلار است و ما این قدر نیاز به دینار نداریم. این برداشت غلطی است. اصلاً قرارداد را بر مبنای ریال و دینار ببینید و دینار را خرج کنید. الان اتفاقی که دارد می‌افتد این است که قراردادها را بر مبنای دلار می‌بندند، اما عراق دینار می‌دهد. این خسارت است. ما باید حمل بی‌وقفه‌ی کالا و مسافر را راه‌اندازی کنیم و موانعش را برداریم. باید برای این کار شرکت مشترکی تأسیس کنیم و شرکت‌های حمل و نقل با معیارها و استانداردهای ایمنی و خدمات‌دهی مناسب را زیر مجموعه‌ی شرکت مشترک به کار بگیریم. باید تلاش کرد، نباید بگوییم که امروز داعش و اشغالگر است و نمی‌شود. ما هر کاری کردیم در این زمان‌ها انجام دادیم. مسئله‌ی داعش تعاملات در حوزه‌ی دفاع و امنیت دو کشور را تهدید کرد و ملت عراق متوجه شد که جمهوری اسلامی در آنجا خون می‌دهد. اعتقاد شهید سلیمانی این بود که فرصت‌هایی که در دل بحران می‌شود ایجاد کرد، بیشتر از خود فرصت‌ها است و جمهوری اسلامی تحت فرماندهی حاج قاسم نشان داد خالق فرصت‌ها در دل بحران‌ها است.

نباید ترسید، بلکه باید به ظرفیت‌های بی‌مانندی که از مردم و از توکل به خدا و عنایت ائمه‌ی اطهار داریم، تکیه کنیم و اصلاً تردید نکنیم. جمهوری اسلامی هرچه در عراق و منطقه انجام داد به برکت خون شهدا، عنایت ائمه، توکل بر خدا و ایمان ملت بود که همه‌ی این‌ها تحت یک رهبری الهی بود. آنچه که امروز دنیا ندارد، وجود چنین رهبر مقدس الهی است که آنچه می‌اندیشد فقط معامله‌ی با خدا و هدایت جامعه است.

۱۲. جبهه مقاومت، طرح آمریکا را به شکست کشاند

مخاطب این دیدار هم فقط دولت الکاظمی نبود، بلکه مقاومت، آمریکایی‌ها، کشورهای منطقه‌ای، مردم عراق و خود جمهوری اسلامی مخاطب این دیدار بودند. جمهوری اسلامی باید عراق را جدی‌تر بگیرد و اقدامات عملیاتی‌اش را قوی کند. اقداماتی که تا به امروز در عراق اتفاق افتاده است، به مفهوم واقعی همه در جهت خدمت به مصالح و منافع مردمی ما و خدمت به جبهه‌ی مقاومت و گفتمان انقلاب اسلامی است. اما در نقطه‌ی مقابل اولین متضرر پرونده‌ی عراق آمریکا و متحدین آن بودند که در مقابل مردم عراق ایستادند. آمریکایی‌ها نمی‌خواستند به عراقی‌ها اجازه دهند که در امور حاکمیتی دخالت کنند و از قبل طراحی کرده بودند که به محض اینکه رژیم صدام را برداشتند، یک حکومت نظامی را شکل دهند؛ اما چند ماهی بیشتر دوام نیاورد. هم تشویق‌های جمهوری اسلامی و هم درک رهبران عراق این بود که این کار خطرناک است و فشارها علیه آمریکا شروع شد. حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق بدون مجوزگرفتن از سازمان ملل و شورای امنیت شروع شد. علتش هم این بود که آمریکا می‌خواست به دنیا اعلام کند که رویه‌ی بین‌المللی تغییر کرده و این کشور اشغال شده است و کشور اشغال شده باید توسط اشغالگر مدیریت شود. پیام آمریکا به جمهوری

اسلامی هم این بود که عراق امنیت ندارد و نباید به این کشور بیایید. پیامش به کشورهای مثل فرانسه و آلمان و کشورهای همسایه هم این بود کسانی که در جنگ نیامدند، حق ندارند در بازسازی بیایند. به عراقی‌ها هم گفته بودند که هرکسی بدون هماهنگی و اجازه به عراق وارد و یا خارج شود، به‌عنوان تروریسم با او برخورد می‌کنیم. در این فضا بود که جمهوری اسلامی وارد همکاری، کمک کردن و دادن مشاوره‌های اصولی شد.

اما تاکتیک بدی که آمریکایی‌ها به کار بردند این بود که گفتند اگر آن حکومت نباشد، ما حکومت نظامی را برمی‌داریم و یک حکومت مدنی را جایگزین می‌کنیم. علتش هم این بود که خود عراقی‌ها شروع به شکل دادن یک نظام و یک ساختاری کرده بودند و ما هم تشویقشان می‌کردیم. آقای برمر هم تحت عنوان حاکم مدنی به عراق آمد. برمر گفت من می‌خواهم مجلس شورا را راه‌اندازی کنم. یعنی اینجا من حاکم هستم. آمریکا در عراق حاکم است و عراقی‌ها باید مشورت بدهند. مفهومش این بود که آمریکا هر جنایتی که می‌کند به اسم رهبران و مسئولین عراق باشد. ولی ما عراقی‌ها را تشویق کردیم که نباید وارد این خواسته شوید و به مصلحت شما نیست که آمریکا هر جنایتی که می‌کند، می‌گوید من با مشورت رهبران عراق دارم انجام می‌دهم.

آن مجلس مشورتی که آقای برمر داشت دنبال می‌کرد، مجلس الحکم یعنی شورای حکومتی نام داشت. در شورای حکومتی رهبران را تعریف کردند که هرکدام چند ماهی حکومت کنند، اما اساس کار دست برمر بود. هنوز برخی از قوانینی که در آن مقطع وضع کردند، دارد به منافع مردم عراق و منافع ملی عراق لطمه می‌زند.

درواقع آقای برمر می‌خواست در داخل عراق حکومت کند. قوانینی که در مسئله‌ی نیروهای مسلح، در حوزه‌ی دولت و... صادر کرد با منافع مردم عراق مغایر بود. آمریکایی‌ها یک مداخله‌ی کامل تحت عنوان حکومت مدنی را در عراق شکل دادند که این اقدام به معنای نقض کامل حاکمیت ملی بود. انحلال ارتش و دیگر اقدامات در آن مقطع صورت گرفت. البته عراقی‌ها از بعضی از این قوانین سعی کردند که استفاده کنند. اما آن چیزی نبود که آمریکایی‌ها می‌خواستند. در همان مقطع یک کار بد دیگری که آمریکایی‌ها داشتند انجام می‌دادند، تحمیل پیش‌نویس قانون اساسی بود که داشتند به عراقی‌ها تحمیل می‌کردند.

آمریکایی‌ها قبل از اینکه نظام صدام سقوط کند و کشور اشغال شود، دو کار اساسی را به‌زعم خودشان انجام دادند. اول پیش‌نویس قانون اساسی که نوشته بودند و دوم نزدیک به سه هزار عراقی به‌عنوان مستشار و مشاور با آمریکایی‌ها قرارداد امضا کرده بودند که در ساختار حکومت وارد شوند و به آمریکایی‌ها مشورت دهند و آمریکایی‌ها حاکمیت کنند. در آن زمان آمریکا خودش را حاکم بلامنازع می‌دانست و عبور از آن شرایط کار راحتی نبود. در این فضا بود که مسئله‌ی حاکمیت عراقی سر داده شد و موضوع انتخابات، قانون اساسی، تدوین قانون اساسی که آمریکایی‌ها مخالف آن بودند،

مطرح شد. مشابه آن کار را بعداً آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۸ تحت عنوان توافقنامه‌ی امنیتی و راهبردی داشتند به عراق تحمیل می‌کردند که در حقیقت آن هم نقض حاکمیت ملی عراق و تهدیدی برای همسایگان بود. جمهوری اسلامی در آن مقطع با تجربیاتی که داشت مشورت‌های خوبی در تدوین قانون اساسی، در موضوع تحمیل توافقنامه‌ی همکاری‌های امنیتی و راهبردی، مسئله‌ی قانون کاپیتولاسیون و امنیت قضائی سربازان خودشان که کاملاً با حاکمیت ملی و استقلال این کشور در تباین بود، به عراقی‌ها داد که این مشورت‌ها خیلی به آن‌ها کمک کرد. البته عراقی‌ها انصافاً نخبه و تیزهوش‌اند و مصالح خودشان را خوب می‌فهمند. ولی تجربیات جمهوری اسلامی هم کارساز و مؤثر بود و باعث شد که آمریکایی‌ها نتوانند برخلاف همه‌ی آن قدرت مادی و نظامی‌شان مسیر را جلو ببرند. اما در نقطه‌ی مقابل الحمدلله جبهه‌ی مقاومت توانست این راه پر مخاطره و مشکل را تا به امروز با همه‌ی چالش‌ها و تهدیدات به پیش ببرد.

جمع‌بندی پایانی

آینده‌ی روابط دو کشور مثبت است، به شرطی که ما برای حفظ و تقویت این دستاوردها تلاش کنیم. وجود ساختارهای عادی جاری با آن اهداف بلندی که ما در منطقه داریم سازگار نیست. امروز دارد زمینه‌های شکل‌گیری یک همکاری دسته‌جمعی به‌ویژه در حوزه‌ی امنیت فراهم می‌شود که خیلی موضوع مهمی است. آنچه که جمهوری اسلامی یک زمانی شعار می‌داد که امنیت منطقه در گرو همکاری‌های دسته‌جمعی منطقه‌ای است، امروز در حال اتفاق افتادن است و اساس این همکاری، ایران و عراق و سوریه است. این همکاری بعداً می‌تواند به یک مهندسی امنیتی در منطقه با حضور همه‌ی کشورها تبدیل شود. ما فارغ از اشغالگری در حال شکل‌دهی یک نظام جدید و یک مهندسی جدید امنیتی در منطقه هستیم. این هم موضوع مهمی است. اگر ما این تلاش را در چهارچوب یک نقشه‌ی راه، یک سازمان و یک فرماندهی ادامه دهیم با توجه به جایگاهی که غرب آسیا در نظام جدید بین‌الملل دارد، گفتمان مقاومت می‌تواند در شکل‌دهی نظام آینده‌ی جهان جایگاه خوبی داشته باشد.

گفتگو با آقای حسن کاظمی قمی

<https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=۴۶۱۲۴>